



خبرنامه کومهله

شماره ۸
شماره یک
۱۹ آبانماه / ۱۳۵۸

مردم کردستان به نهای شیخ عزالدین حسینی و کومهله پاسخ دادند :

تظاهرات عظیم عید قربان میاوشهیدان کردستان

سرودت : تاهه قی کورد زه مستینین ته قه رانا وه مستینین
سننج : رهبر ما در مسگر است مذاکره بی ثور است

پاسبانان سننج، پاسداران تجاوزگر راوشگیر نمودند

بسیاری کومهله

عظیم مردم ایران بی محفایات و خیانتهای نابخشودنی آنان بر روی
پرده پوششها میتوانند برای همیشه ماهیت ارتجاعی و فاشیستی
خود را ببینند و سخت در اشتباهند و جنبش انقلابی خلقهای
ایران روز بروز بیشتر و امنی گستراند. مبارزات قهرمانان پیشروان
وضوئیات بی امان آنان بر نیروهای اشغالگر رژیم از یک سو و پشتیبانی
توده های عظیم خلق کرد از این مبارزات / و تظاهرات گسترده هر
روزه در شهرهای کردستان از سوی دیگر پایه های مست رژیم کونرسی
را چنان به لرزش در آورده که رژیم را ناچار به مذاکره نموده است.
اکنون این سؤال برای مردم ایران مطرح است :
چرا هیأت حاکمه که تعداد اننت بالیزانها و اوسهها باشد انقلابیون
معدمت شده و برای تجزیه ایران توطئه میکنند با آنان وارد
مذاکره میشوند؟ و این جواب میروند :

کردستان خونین آری ! کردستان ننگین نه !
عید قربان اسال / عید اعتراض به رژیم خود گاهه ایران بود و عید
خشم توده های وسیع خلق کرد. عید گرامیداشت شهیدان / عید
تائید و تاکید بر جنبش مقاومت خلق کرد. عید قربان اسال روز -
همسنگی خلق کرد بود. در تظاهراتی که بنابعد عود شیخ عزالدین
حسینی سازمان زحمتکشان "کومهله" و دیگر گروههای مترقی در مسر
تاسر کردستان برپا شد / صد ههزار نفر شرکت کردند. روستائیان
نزد و دورترین روستاهای کردستان برای شرکت در این تظاهرات / دسته
دسته وارد شهرها میشدند.
بلندگوهای هیأت حاکمه که کوچکترین پشتیبانی جانشها و -
موتجمعین از رژیم ارتجاعی آخوندی / بابوق و کوناوید فعات مکرر اعلام
میکند و از گاهی کوهی میسازند / کوچکترین اشاره ای به تظاهرات -
چندین صد هزار نفری در سرتاسر کردستان نکردند. تا میباد اتوده ها

تأییدات حاکمه ما را فریب داده بود و فرزندان ما را برای
بسرار و رکشی به کردستان فرستاده است.

+++++

به تظاهرات بعضی از شهرهای کردستان اشاره ای مختصر
میکنیم :

\$\$\$ در سنج تظاهرات عید قربان با شرکت ۸۰ الی ۹۰ هزار
نفر از میدان آزادی با نام خاصی شروع شد . تظاهرکنندگان
که عکسهای از شیخ عزالدین حسینی و شهید نوژاد مصطفی -
سلطانی و سید حسین پیر خنصری و دیگر شهدا در دست داشتند /
بعد از عبور از خیابان سیروس بطرف محلات فقیر نشین
شهر به راهپیمایی پرداختند و از آنجا راهی گورستان شهدا -
(کتابخانه) شدند و مزار شهید اسماعیل شریفزاده و سایر شهدا اجتماع
ع کردند . روستائیان حومه سنج از جمله قار / قربان / میمان / الک
باوه و ریزو . . . با پایا کارهای مشخص در تظاهرات شرکت کردند
عده کتبی از مردم کامیاران نیز در تظاهرات عظیم سنج شرکت
نمودند تظاهرکنندگان در طول مسیر راهپیمایی شمار میدادند .
درود بر حسینی - مرگ بر خمینی / بژی همیزی کوه له - زه حعه
تکیشی له که له (درود بر کوه له که ز حمد تکشان همراهش هستند)
بژی همیزی کوه له - کویا کریان له که له (درود بر کوه له که کارگران
همراهش هستند) - بژی همیزی کوه له - کاک فوئادیان له که له
(درود بر کوه له که کاک فواد با آنهاست) - بژی همیزی کوه له
پشتیوانی شه ش که له (درود بر کوه له که پشتیبان شملت است)
اشاره ای است به خلقهای ایران .

مرگ بر امیرالایم - دشمن خلق ایران / کردستان را گورستان
اشغالگران خواهیم کرد / کورد ناهریته وه خیالی خاوه - به راتی
نه جاتبه خوین نووسراوه (تا بودی کردی خایان خامی بیس
نیست قانون و لمائی با خون نوشته شده است) .

در این روز مردم مبارز سنج کمکهای نقدی خود را جهت -
ارسال برای پیشمرگان در صندوقها میانداختند . همچنین در
قسمتهایی از شهر مقداری برنج و مواد خوراکی و تعداد زیادی -
پتو و وسایل بهمین منظور جمع شده بود .

\$\$\$ در سنج نیز تظاهرات گسترده ای با شرکت بیش از ۲۰ هزار
نفر به همین مناسبت ترتیب یافت . روستائیان از دهات اطراف
برای شرکت در این تظاهرات سنج آمده بودند . تظاهرکنندگان

- گان در حالیکه عکسهای از شیخ عزالدین حسینی و ملاکاردها
فی حاکی از پشتیبانی آنان از ایشان و گروههای سیاسی / منی
بر تأیید مبارزه عادلانه خلق کرد در دست داشتند / عازم

گورستان شهدا شدند . در بیرون شهر عده ای از پیشمرگان
نیز به تظاهرکنندگان پیوستند . راهپیمایان ضمن راهپیمایی
متوجه دو برادر راز جاشهای سقز شده و آنها را دستگیر کردند
در بازرسی بدنی از دستگیر شدگان معلوم شد یکی از آنان
صلح به کلتی است که آماده شلیک میباشد . تظاهرکنندگان
با تحویل جاشها به پیشمرگان راهپیمایی خود ادامه دادند
نیروهای اشغالگر رژیم ضد خلق برای ارباب مردم با توپ به
سوی کوه مقابل آتش گشودند / اما مردم بدون اینکه بیمی بدل
راه دهند به گورستان شهدا رفتند و پیام ملا رحمان یکی از دستا
تزدیک ملا رشید (که در نبود ی با نیروهای مالکین ارضی
شهید شده بود) / پیام کومه له / حزب دمکرات و چندین
پیام از جانب روستائیان قرائت شد .

\$\$\$ در بانه نیز تظاهرات عظیمی با شرکت حدود ۲۰ هزار
نفر صورت گرفت . مردم مبارز بانه و دهات اطراف در تظاهرات
با شکوه خود ضمن اعلام پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی و
گروههای سیاسی منجمه کومه له و تأیید است "نویچه -
نی شه عیدان" سیاستهای رژیم خود کاه را شدیداً محکوم
کردند . شبخ جلال حسینی برادر شیخ عزالدین حسینی
در میان تظاهرکنندگان به سخنرانی پرداخت و سپس پیام
ه له / حزب دمکرات / چریکهای فدائی دفتر بانه قرائت شد .

لازم به یاد آوری است که عصر همان روز نیروهای سرکوبگر
رژیم با توپ و خمپاره از داخل پادگان / گردان ۲ گارد جاوید
سابق از داخل شهر / مردم را مورد هجوم وحشیانه قرار داده
و خانه های آنانرا ویران ساختند . در این حمله فاشیستی
بیش از ۵۰ نفر از مردم کشته و زخمی شدند و خانه های بسیار
ویران شد . گردان ۲ گارد جاویدان نیز با قدرت انتقام خلق
در هم کوبیده شد . لازم این گردان تنها تعداد بسیار معدودی
توانستند خود را به داخل پادگان برسانند .

\$\$\$ در سردشت نیز عظیم ترین و باشکوهترین تظاهرات یک سال
گذشته با شرکت بیش از ۱۲ هزار نفر بهین مناسبت ترتیب

یافت

بلند بپای "گروه سور" - د. پارکبوم مواد غذایی شد میرد /
 یادگان بهیمرمانه تقاضای رعایت آتشریس! نمود و فرمانده
 فاشمست یادگان حمله گرانه ابداع میکرد که ارتش دخالت نمسی
 کند و این پاداران انقلاب اسلامی! هستند که مردم را قتل
 عام مینمایند. در حالیکه همه میدانستند هیچکس نمیگردد
 ارتشیان / چنین تقیو و وحشیانه / خانه ها / کوچه ها / و
 خیابانها را نشان گیری نمیکند. این ادعای فرمانده تنها
 بدین خاطر بود که بتواند مواد غذایی لازم را به نیروهای خود
 رسانده و بقول مردم آنها را برای کشتار مردم بیدفاع فرسه
 نماید! حزب سومین اشتباه خود را مرتکب شده و با اصطلاح
 آتشریس و فرستادن مواد غذایی برای "گروه سور" موافقت
 نمود.

مردم با تمام وجود مخالف این کاری بودند و استدلال میکردند
 حتی بی شنی رحم کنیم که این چنین وحشیانه / به هیچکس
 حتی بی مردمان و زنان و کودکان نیز رحم نمیکند / این مخالفت
 بالا میگرفت و در حال تبدیل شدن به یک قیام بود ولی مسئول
 حزبی به مردم قبولاندند که این دستور حزب است و آتشریس -
 باید رعایت شود. مانع با این کار مخالفت کردیم اما مانند
 دفعه قبل بخاطر جلوگیری از برخورد در مخالفت خود با فشاری
 ننمودیم. در نتیجه چند ماشین مواد غذایی راه افتاد و در اختیار
 دشمن قرار گرفت. شب ۱۲/۸/۵۸ یادگان از آراضی موجود
 برای تقویت خود استفاده نمود. همان شب ما تصمیم گرفتیم
 - بخاطر حفظ بودن شیوه جنگ از یکطرف و اصرار حزب در آتش
 پس از طرف دیگر - تهداد کمی از نیروهای خود را در شهر
 نگهداشته و نیروهای ذخیره و کمی را در خارج شهر حال آماده
 باش در آوریم. نگهداشتن عدای از نیروهایمان بدین خاطر
 بود که مردم نمیخواستند پیشمرگهای کوفه له و مسترلین آنها از
 شهر خارج شوند و وجود نیروی برای جلوگیری از هجوم ارتشیان
 و پاسداران مردم بیدفاع لازم بود. ضمناً به مسئولین حزب
 توصیه کردیم که فریب آتش بر راندن مردم را نداشته و توصیه ما
 توجیهی ننمودند.

صبح ۱۳/۸/۵۸ افراد یادگان شروع به کوبیدن شهر
 نمود و متظاهرین وسیله توپ و خمپاره و انواع سلاحهای سنگین

د. همانفراز عالی سردشت / زنان و کودکان شیروخوار را کشته و
 حتی سگها و گربه ها را نیز به لاکت رسانده و روی هم پلور و محمد رضا
 شاه را سفید کردند و ثابت نمودند که شاکردان خلف این جلادان
 هستند.

ساعت ۱ بعد از ظهر در ریلند گوه اعلام کرد که "مردم!
 بیادگان و مسجد بروید! میخواستیم شهر را از زمین و هوا به آتش
 بکنیم!" هر چند عدای فریب جاشمائی نظیر حاج غنی بر آورده
 و دستگیر شدند گور را کردند اما اکثریت مردم مبارز سردشت از شهر
 بیرون رفته و عدای به زیر زمینها پناه بردند.

ساعت ۳ بعد از ظهر چهار علی گیترو و وفاتوم هماهنگ با
 یادگان تلفروپ آفتاب شهر را بمباران و به آتش کشیدند.

شهریه ویرانهای تبدیل شد. مدارس را بمباران کردند.
 خانه ها را بتوسی بستند / مردم را زیر رگبار مسلسل گرفتند. صدای
 شیون و زاری کودکان و پیمان و مادران داغ دیده بر جسد های
 قطعه قطعه شده و له گشته پدیدان و مردان و فرزندانشان در -
 فضای پیرا آتش و دود و وحشت شهری بیچید و خوشه های خشم و
 نفرت از این دوشخیمان خون آشام را به آتش تبدیل میکرد که -
 کاخ ظلم و خونخواری حکام ضد خلق را در آینه ای نه چند ان دور
 بسوزاند و برای همیشه نابود کند.

عدای از پیشمرگان حزب د. مکررات بدستور فرماندهان
 از شهر بیرون رفتند. البته تا آن وقت چند نفر از آنان شهید شده
 بودند. پیشمرگهای سازمان زحمتکشان بعد از اینکه دیدند
 شهر تقریباً از سگمخال شده تصمیم گرفتند با تمام نیروی که در -
 شهر داشتند بر علیه خود را بمباران و وارد کرده و سپس بخاطر
 جلوگیری از قتل عام بیشتر مردم و حمله مجدد به دشمن اشغالگر
 شهر را ترک کرده و عقب نشینی کنند. در این حال دسته ای از -
 پیشمرگهای حزب د. مکررات نیز با همکاری کرده و یادگان را پس
 آ - بی - بی - می و باز در آتش گرفته و تلفات و خسارات سنگینی
 بدشمن وارد کردیم و بدون هیچ تلفاتی شهر را به آرای زیر
 رگبار و بمباران یادگان و فانتوم هاترک نمودیم.

این بود شرح مختصر واقعیه خونین سردشت که نیروهای
 د. دشمن رژیم حدود ۴ نفر را کشته و دهها نفر را زخمی کردند و ...
 شهری ویران و مردمی آواره از پورش فاشیستی خود نگار

گذاشتند .

پادگان بنساح سرد نشد .

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایـران
(کومه له)

این است ارتش برادر را ارتشی که دارد سیاست سرزمین سوخته را در مورد کردستان با جرم نگذارد و می خواهد بد با بجانان و تیراندازی شبانه روزی به شهرها / قصبات و مناطق مردم و انقلابیون را بزنند و آید . حتی وقتی که مردم آواره سردشت از شهر خارج می شدند وید هات اطراف شهرهای و پیشه ها پناه میبردند علاوه بر اینکه آنروز با فانتوم و هلی کوپتر مردم را بجانان میگردد . شب همان روز تا صبح با فانتوم و توی هات اطراف را می کوبید . هنگامیکه تعداد کمی از نیروهای اشغالگر بدست پیشمرگان کشته میشوند / رژیم ضد خلق با بوق و کرنا از جمله " نسا جوانمردانه " پیشمرگان میزند . اما هنگامیکه خود با استفاده از تمام سلاحهای آمریکائی و تمام قوا به کشتار پیروان / زنان و کودکان شیرخوار دست میزند و همه جاسارا بجانان کرده و محروم کنده را به آتش هلی کوپتری بندد - حتی کوبدترین خبری از این جنایات پیشمار خود را با اطلاع مردم نمی رساند . هنگام بجانان و هدید آتش و خون به مردم / زمانی که در ایوش فروردین پادگان سردشت بود / پیشمرمانه از راه ایوش دولتی خبر میدهند که در ایوش فروردین نمایندگان مردم سردشت (لابد با جاشها) در محیط " نسا " سرگرم مذاکره است . در حالیکه خود آنان در ایوش فروردین میداند در آن حال کسی در شهر نمانده بود تا با ایشان به خبیافت تمام مشغول شود .

در رود بر مردم قهرمان و انقلابی سردشت است
مرک و ننگ برتجا و زگران فاشیست و جنایتکار

پیروز یاد مبارزه برحق مردم کردستان و پیشمرگان قهرمانش
پیرانش سر :

- شب ۱۲ / ۸ / ۵۸ پیشمرگهای سازمان زحمتکشان
- کومه له " با استفاده از موشک انداز (بازوکا)
- ژاندارمری پیرانشهر حمله کرده و آنرا ویران کردند . بر این حمله حدود ۲ نفر از افراد صلاح ژاندارمری کشته شخصی شدند . در نتیجه پاسداران پیروزه تخلیه شهر شد

